

لیگ از لژیون‌های بی‌کیفیت فاصله می‌گیرد



یکی از مزایای لیگ حرفه‌ای برای فوتبال ایران این بود که پای بازیکنان خارجی را به اینجا باز کرد. هر چند قبل از حرفه‌ای شدن لیگ هم خارجی‌های چندی در دهه‌های مختلف چه در لیگ تخت‌جمشید و چه در لیگ آزادگان وارد فوتبال ایران شده بودند، ولی به هر حال با تبدیل شدن به لیگ برتر و قانونی شدن جذب بازیکن خارجی، این قضیه به حالت فراگیر و عمومی درآمد.

جام جم آنلاین: یکی از مزایای لیگ حرفه‌ای برای فوتبال ایران این بود که پای بازیکنان خارجی را به اینجا باز کرد. هر چند قبل از حرفه‌ای شدن لیگ هم خارجی‌های چندی در دهه‌های مختلف چه در لیگ تخت‌جمشید و چه در لیگ آزادگان وارد فوتبال ایران شده بودند، ولی به هر حال با تبدیل شدن به لیگ برتر و قانونی شدن جذب بازیکن خارجی، این قضیه به حالت فراگیر و عمومی درآمد. البته نمی‌توان منکر این قضیه شد که جذب بازیکنان خارجی تا همین یکی دو سال پیش در سایه سوء مدیریت‌ها و عدم برقراری ارتباط مناسب با فوتبال روز دنیا تبدیل به یک معضل تمام‌عیار شده بود و چه بسا بازیکنانی که اکثراً هم در تیم‌های معروف و پرطرفدار جذب شدند، با زدن چند ضربه به توپ فقط تبدیل به مضحکه و مایه شرمساری مربیان و مدیران شدند. امثال پائولو دی کارمو، سان‌جان اورسوویچ، رافائل اداریو، فابریسیو گومز و... کم به این فوتبال نیامدند و کم اسباب خنده نشدند، ولی به نظر می‌رسد یکی دو سالی است که دیگر از آن وضعیت اسفبار فاصله گرفته‌ایم و کم‌کم در حال استفاده از لژیون‌هایی آن هم متناسب با بضاعت این فوتبال هستیم. نگاهی اجمالی به لژیون‌های حضور یافته در لیگ برتر و دوره دهم آن نشان می‌دهد که استفاده از لژیونرها تا حدودی شکل متعارف به خود گرفته است. هر چند که برخی باشگاه‌ها هنوز هم، تخصص قبلی خود در خرید اجناس و بازیکنان بنجل و به دردنخور را حفظ کرده‌اند، ولی با این حال افزایش نسبی خارجی‌های مفید و حفظ آنهایی که در فصول گذشته عملکرد قابل قبولی داشتند نشانگر وسواس و دقت بیشتر مدیران در استخدام بازیکنان خارجی است. نگاهی به وضعیت لژیون‌های خارجی در دهمین دوره لیگ برتر خالی از لطف نخواهد بود.

لوسیانو ادینیو (مس کرمان - برزیل)

این مهاجم تکنیکی و خلاق در چهارمین فصل حضورش در کرمان، به مفهوم واقعی کلمه محبوب قلب‌های تماشاگران و طرفداران مس بود. ادینیو در این فصل طی 2911 دقیقه حضورش در میدان، 22 گل برای مس زد و 6 پاس گل به هم‌تیمی‌هایش داد. ادینیو در عین حال 5 کارت زرد هم از داوران دریافت کرد. ستاره برزیلی مس گرچه رکورد گلزنی خارجی‌ها در یک فصل از لیگ ایران را شکست و از مرز بیشترین گل‌زده در طول یک فصل بین تمام مهاجمان و آقای گل‌ها هم گذشت ولی 7 گلی که رضا نوروزی در 2 بازی آخر فولاد مقابل پاس و شهرداری به ثمر رساند باعث شد ادینیو نتواند به عنوان آقای گل دست پیدا کند.

ابراهیم توره (سپاهان - سنگال)

به نظر می‌رسد او هر فصل سهمیه تاخیر و بی‌انضباطی در کارنامه‌اش باید ثبت شود. توره در چهارمین فصل حضورش در لیگ ایران و دومین فصل حضور در سپاهان دومین قهرمانی‌اش را هم تجربه کرد و اگر در چند مسابقه‌ای که غیبت داشت، در زمین حاضر می‌شد شاید آمار گل‌های زده‌اش بیشتر هم می‌شد. به هر حال توره در لیگ دهم 2376 دقیقه برای سپاهان بازی کرد که حاصل آن 18 گل، 3 پاس گل و 5 کارت زرد بود. ضمن این که در 6 بازی مرحله گروهی لیگ قهرمانان هم با زدن 4 گل بهترین گلزن سپاهان بود تا تلافی گل‌زنی‌های فصل قبش را بکند.

کرار جاسم محمد (تراکتورسازی - عراق)

ای کاش این هافبک عراقی به اندازه یک دهه تکنیک و خلاقیت خود، اخلاق هم داشت. کرار در این فصل یک ستاره تمام عیار برای تراکتورسازی بود که 8 گل زد و 7 پاس گل هم داد ولی از لحاظ اخلاقی یکی از منفی‌ترین چهره‌های لیگ دهم بود که بار اول به خاطر زدن کمک داور در بازی با پرسپولیس چند جلسه محروم شد و دو هفته به پایان لیگ هم در بازی مقابل سایپا پس از اخراج، جنجال آفرید تا پرواز صندلی‌ها در ورزشگاه یادگار امام تبریز دوباره به نمایش درآید.

2 کارت قرمز و 5 کارت زرد، حسابی کارنامه فنی کرار را مخدوش کرد تا آینده‌ای در لیگ ایران برای این عراقی تکنیکی و شوت زن ولی بداخلاق متصور نباشیم.

هواری ملامحمد (استقلال - عراق)

حالا علی دایی باید پاسخگو باشد که چرا این هافبک تهاجمی و توانمند عراقی را در ابتدای فصل نخواست و او را از پرسپولیس

دیپورت کرد تا هوار بعد از يك نیم فصل بدون تیم ماندن، سر از استقلال در آورد. البته هوار در شروع حضورش در استقلال کمی برای آبی‌ها هم بابت دیر آمدن به تمرینات، حاشیه درست کرد ولی در مجموع، يك مهره کاملا کلیدی برای پرویز مظلومی بود. 2 گل و 5 پاس گل طی 687 دقیقه حضور در میدان، کارنامه‌ای قابل قبول برای يك هافبک تهاجمی چپ پا محسوب می‌شود. هوار در لیگ قهرمانان آسیا هم با 2 گل و 2 پاس گل، مهره‌ای ارزشمند برای استقلال بود ولی آبی‌ها با وجود درخشش هوار و مجیدی نتوانستند در نهایت از گروه خود صعود کنند.

فریرا روزا (برزیل - نفت تهران)

هرچند نفت تهران در آخرین ثانیه‌های لیگ به لطف گل بهمن طهماسبی در لیگ برتر ماندنی شد ولی بی‌گمان یکی از عوامل مهم این بقا، يك خرید خارجی عالی در نیم فصل بود. مدیران نفت با جذب يك بازیکن ناشناخته ولی کارآمد برزیلی به نام ژوسلی فریرا روزا در واقع درسی مناسب در مورد انتخاب لژیونر به هم‌تایان خود دادند. فریرا روزا که از لحاظ هزینه هم بار چندان سنگینی روی دوش نفتی‌ها نگذاشت، يك سوپرستار به تمام معنا در جمع بی‌ستاره تیم تازه راه یافته به لیگ برتر بود که با 9 گل و 2 پاس گل آن هم طی 1218 دقیقه حضور در میدان نقش مهم و ویژه‌ای در تمدید حضور نفت در لیگ برتر ایفا کرد.

مارسیو خوزه (برزیل - نفت تهران)

نفتی‌ها همان قدر که در بازار نقل و انتقالات ابتدای فصل بی‌سر و صدا بودند، در نقطه مقابل در جذب لژیونرها موفق‌ترین تیم لیگ برتری بودند. مارسیو خوزه، مدافع تنومندی که در اردوی اروپایی قبل از شروع فصل به دلایلی نامعلوم پس از حضور در تمرینات پرسپولیس مورد پسند علی دایی واقع نشد، يك شاه‌مهره برای نفت تهران شد و در طول لیگ دهم، يك مهره کلیدی و کاملا مفید برای تیمش بود. اگر نفت تهران با رکوردزنی در امر تساوی، کمتر از خیلی تیم‌های پایین‌جدولی باخت یکی از دلایلی حضور مقتدرانه مارسیو خوزه در قلب دفاعی این تیم بود. مارسیو جدا از عملکرد خوب دفاعی، طی 2610 دقیقه حضور در ترکیب نفت، 4 بار با شوت‌های مهلك خود از روی ضربات ایستگاهی گل زد و 2 پاس گل هم داد. این مدافع قدرتی در طول فصل، 10 کارت زرد هم گرفت.

ایوان پتروویچ (صربستان - شاهین بوشهر)

این هافبک ریزنقش و به ظاهر نحیف صربستانی در سومین تیم ایرانی‌اش يك مهره کاملا مفید و ارزشمند بود. ایوان که دومین فصل حضورش در شاهین بوشهر را سپری می‌کرد، طی 2628 دقیقه حضورش در میدان فقط 2 گل برای سفیدپوشان بندرنشین به ثمر رساند ولی ارزش کار او وقتی معلوم می‌شود که بدانیم این چپ‌پای صربستانی، 9 پاس گل به هم‌تیمی‌های خود داده است. ایوان در عین حال، در تنظیم نبض بازی شاهین هم نقش مهمی ایفا می‌کرد و به جرات می‌توان گفت چه در زمان حمید استیلی و چه بعد از آمدن اکبر میثاقیان عصای دست کادر فنی شاهین محسوب می‌شد. پتروویچ بعد از ابومسلم و پرسپولیس، در شاهین هم نشان داد که به عنوان يك فوتبالیست حرفه‌ای، هر تیمی می‌تواند رویش حساب کند.

جدا از این 7 نفر که به واقع براساس عملکرد خود، بهترین خارجی‌های لیگ دهم بودند، لژیونرهای دیگری هم حضور داشتند که حضور نسبتا قابل قبولی داشته و نشان دادند کمی تا قسمتی فوتبال بلد هستند، البته اگر قیمت همه در فوتبال ایرانی مشخص بود راحت‌تر می‌شد در مورد این خارجی‌ها قضاوت کرد و آن موقع می‌توانستیم تحلیل درستی در مورد هر کدام داشته باشیم که آیا متناسب با پولی که گرفته‌اند توانسته‌اند در تیم‌هایشان مفید باشند یا خیر!

ساشا کلونینجا، اکمل هولماتوف، ادوچو اکوبونکو و آرتور یدیگاریان (پاس همدان)

ساشا و آرتور دومین فصل حضورشان را در پاس همدان سپری کردند. کلونینجا یکی از عناصر ثابت خط دفاعی بود که با توجه به سقوط تیمش مسلما نمره قبولی نمی‌گیرد. یدیگاریان هم بیشتر از نیمی از فصل را نیمکت‌نشین یا مصدوم بود و به عنوان يك هافبک، يك گل و 4 پاس گل طی 1431 دقیقه حضور در میدان نمی‌تواند آمار جالبی برای او باشد. از ادوچو هم طی 227 دقیقه حضور در میدان چیز خاصی ندیدیم. اکمل به واقع بهترین لژیونر پاس همدان بود که در جریان 2078 دقیقه بازی، 2 گل زد و 5 پاس هم داد ولی همه اینها نمی‌توانست برای بقای پاس در لیگ برتر کفایت کند.

جونور تورتا، زولتان هارسونی، ژاک الونگ‌الونگ و صالح سدیر (پیکان)

لژیونرهای پیکان هم نتوانستند آنچنان که انتظار می‌رفت کمک حال این تیم برای سقوط نکردن باشند. جونور به عنوان يك هافبک

تهاجمي طی 941 دقیقه حضور در میدان يك گل زد و 2 پاس گل داد. زولتان که در اوایل فصل صحبت از پیوستنش به پرسپولیس بود، خیلی در پیکان روی خوش ندید و فقط 200 دقیقه فرصت بازی پیدا کرد که يك گل و يك پاس گل در این مدت بیانگر این است که عملکرد بهتری در صورت فرصت بیشتر، می‌توانست داشته باشد. صالح سدیر عراقی هم به عنوان يك هافبک، طی 790 دقیقه بازی 2 گل زد و 2 پاس گل داد. ولي او هم کم به بازی گرفته شد. الونگ الونگ هم که تجربه حضور در پرسپولیس و سپاهان را داشت نیم‌فصل نخست با راه‌آهن تمرین کرد ولي در نیم‌فصل دوم سر از پیکان درآورد. الونگ طی 1115 دقیقه حضور در میدان، 2 گل هم برای پیکان زد ولي از آنجا که وظیفه‌اش حضور در خط دفاع و حراست از دروازه پیکان بود، آمار گل‌های دریافتی پیکان نشان می‌دهد که در ماموریت خود موفق نبوده است.

الو ترائوره، لئوناردو پیمنتا و عرفان اولروم (تراکتورسازی)

غیر از جاسم کرار، تراکتورسازی 3 لژیونر دیگر داشت که عرفان اولروم خیلی زود رفیق نیمه‌راه شد و وقتی کالوند علاقه‌ای به بازی دادن او نداشت به دیگر تیم تبریزی یعنی گسترش فولاد رفت. ترائوره هم فقط يك مدافع ذخیره برای مدافعان میانی اصلی تیم بود و در طول فصل فقط 501 دقیقه و اکثراً به عنوان بازیکن جانشین بازی کرد. بالاخره می‌رسیم به پیمنتا که او هم کمتر جایگاه ثابتی در خط میانی قرمزهای تبریزی پیدا کرد. ماحصل 1371 دقیقه بازی این برزیلی، 2 گل و 3 پاس گل بود.

آندره لوتیز و فیلیپه آلوز (استقلال)

فیلیپه آلوز پس از 2 فصل موفق در ملوان در لیگ دهم متوجه شد که استقلال و حاشیه‌هایش اصلاً قابل قیاس با ملوان نیست. آلوز در این فصل فقط 1210 دقیقه از سوی مظلومی به بازی گرفته شد که 4 پاس گل و 4 کارت زرد تمام کارنامه فنی او را شامل می‌شود. رابطه هافبک سابق ملوان در اواخر فصل هم حسابی با پرویز مظلومی شکرآب شد. آندره لوتیز برزیلی هم قرار بود جانشین خسرو حیدری باشد ولي اصلاً نتوانست حتی سایه‌ای از خسرو هم به حساب آید و بیشتر لیگ را روی نیمکت سپری کرد. تنها 2 پاس گل اصلاً آمار قابل قبولی برای يك مدافع راست مناسب برای تیم تهاجمی استقلال نیست.

تیاگو فراگو و سکورت (پرسپولیس)

تیاگو از لیگ نهم در پرسپولیس مانده بود و به عنوان يك هافبک دفاعی عملکرد متوسطی داشت. این بازیکن که خیلی هم مقبول دایی نبود در جریان 1048 دقیقه بازی برای پرسپولیس 2 گل زد و يك پاس گل هم داد که دست بر قضا هر دو گل او که با شوت‌های سرکش وارد دروازه سپاهان و نفت تهران شد، جزو زیباترین گل‌های فصل بود، اما سکورت که از اواسط نیم‌فصل نخست وارد تمرینات شده بود با يك مصدومیت طولانی مواجه شد و فقط توانست 190 دقیقه برای تیمش بازی کند و در همین زمان کوتاه هم نشان داد که از بقیه مدافعان تیمش هیچ چیزی کم ندارد و حتی در برخی مواقع مطمئن‌تر از آنها هم ظاهر می‌شود.

ایگور کاسترو و اواندرو جولیانتي (ذوب‌آهن)

کاسترو سومین فصل حضورش در ذوب‌آهن را پشت سر گذاشت. هر چند طی 2015 دقیقه حضورش در میدان با 5 گل و 5 پاس گل خیلی خوب ظاهر نشد ولي در نقطه مقابل در لیگ قهرمانان آسیا درخشان ظاهر شد و با 4 گل و 2 پاس گل موثرترین چهره تیمش در این فصل از رقابت‌های آسیایی بود. اما اواندرو جولیانتي طی 6 مسابقه روی هم 17 دقیقه بازی کرد تا بود و نبودش عملاً توفیری به حال ذوب‌آهن نداشته باشد.

محمود امه، رودریگو لویز و ریکارد دسوزا (راه‌آهن)

لژیونرهای راه‌آهن کاملاً معمولی ظاهر شدند. محمود امه سوریه‌ای در خط میانی 2285 دقیقه بازی کرد که ماحصل آن يك گل و 3 پاس گل بود.

نکته: ستاره برزیلی تیم مس گرچه رکورد گلزنی خارجی‌ها در يك فصل از لیگ ایران را شکست و از مرز بیشترین گل‌زده در طول يك فصل بین تمام مهاجمان و آقای گل‌ها هم گذشت ولي رضا نوروزی با 7 گلی که در 2 بازی آخر فولاد به ثمر رساند مانع از کسب آقای گلی ادینیو شد

رودریگولویز به عنوان يك هافبک تهاجمی با 1920 دقیقه حضور در میدان با 3 گل و 4 پاس گل نسبتاً بهتر از بقیه ظاهر شد ولي ریکاردو دسوزا که در نیم‌فصل نخست بیشتر به بازی گرفته می‌شد طی 873 دقیقه حضور در خط حمله راه‌آهن يك گل زد و 2 پاس گل داد تا تارتار قید استفاده بیشتر از او را بزند و به مهاجمان وطنی تکیه کند.

جدا از ايوان پتروويچ، شاهين 3 لژیونر ديگر هم در ليگ دهم داشت. لك چيرا پس از معرفي به فوتبال ايران توسط استيل آذین در ليگ نهم، اين بار جدا از مواقع مصدوميت، عنصر اصلي خط دفاع شاهين بود و نسبتا هم خوب ظاهر شد. او رفيق نيمه راه بود و فقط 227 دقيقه براي بندرنشينان بازي کرد و چنگي هم به دل نزد و بالاخره آقاي گل فصل پيش يعني عماد رضا که پس از يك تجربه کوتاه ناموفق در الزمالک مصر و در يك انتقال پر سر و صدا به شاهين آمد. عماد خيلي گل نزد ولي 2 گل از 3 گلي که طی 919 دقيقه براي شاهين زد خيلي مهم و امتيازآور بود تا نقش مهمي در بقاي شاهين ايفا کند. 2 پاس گل هم گرچه زياد نيست ولي وقتي يك مهاجم خودخواه به نام عماد رضا اين پاس ها را داده باشد قضيه خيلي جالب مي شود.

كارلوس ادواردو، دانيلو دوسانتوس مارسيو رودريگز (شهرداري تبريز)

شهرداري تبريز هم در امر جذب لژیونر با توجه به سال اول حضورش در ليگ برتر موفق ظاهر شد. مارسيو رودريگز طی 1170 دقيقه حضور در ميدان به عنوان يك مدافع 2 گل زد و يك پاس گل داد، دانيلو دوسانتوس هم در زمان 598 دقيقه براي شهرداري يك گل زد و يك پاس گل داد و بالاخره كارلوس ادواردو هافبک دفاعي سیه چرده و برزيلي که با 2181 دقيقه حضور در ميدان موفق شد 3 گل بزند و 3 پاس گل هم بدهد. در نهايت با بقاي شهرداري مي توان به مجموع عملکرد لژیونر هاي اين تيم هم نمره متوسط رو به بالا داد.

واندو داکوستا و پائولو سانتوس (صباي قم)

اين دو برزيلي هم جزو خريدهاي ناموفق فصل بودند. واندو ماکوستا طی 266 دقيقه حضور در ميدان هيچ حرکتي نکرد تا نامش بجز در فهرست بازيکنان در جاي ديگري ثبت نشود. پائولو سانتوس باز هم يك رد پاي نسبي گذاشت چون در جريان 743 دقيقه بازي يك گل زد و 2 پاس گل داد. البته هر دو نفر در نيم فصل با صباي قم تسويه حساب کردند.

لئون پاچاچيان و مانوئل دسوزا (صنعت نفت)

دسوزا فقط 65 دقيقه طی 2 مسابقه براي آباداني ها بازي کرد و بعد ترجيح داد به کشورش برزيل برگردد ولي هافبک ارمني ريزنقش و تند و تيز اين تيم حداقل توانست دل تماشاگران متعصب آباداني را به دست آورد چون در روز ذخيره بودن همواره نامش را فریاد مي زدند. 3 گل و 5 پاس گل طی 1238 دقيقه حضور در ميدان، آمار قابل قبولي براي يك هافبک است.

جاباموجيري، آندره رينالدو و باکاري دياکيته (فولاد)

اواسط نيم فصل نخست بود که مجيد جلالي به رغم حضور رضا نوروزي و آرش افشين تقاضاي جذب يك مهاجم خارجي ديگر کرد و در نهايت باکاري دياکيته اهل مالي به اين تيم آمد و طی 1092 دقيقه حضور در ميدان با 5 گل و 3 پاس گل در مجموع موفق ظاهر شد. آندره رينالدو هم يك هافبک معمولاً جانشين محسوب مي شد که در جريان 962 دقيقه بازي يك گل زد و 3 پاس گل داد و بالاخره جابا موجيري گرجستاني که از ابتدای فصل در فولاد، هر وقت مصدوم نبود خوب ظاهر شد. حضور 2016 دقيقه اي موجيري در خط دفاع تيمي که در نيمه بالايي جدول جاي گرفت در مجموع موثر و مفيد بود.

فابيو جانواريو و ميلورا ديانوش (سپاهان)

غير از ابراهيم توره دو لژیونر ديگر سپاهان در اين فصل به اين تيم ملحق شدند. فابيو جانواريو که در فصل نقل و انتقالات در يك جابه جايي پرحرف و حديث از استقلال به جمع زردپوشان حاشيه زاینده رود ملحق شد گرچه در شروع فصل به علت مصدوميت، کمتر به ميدان رفت، ولي طی 1994 دقيقه بازي در ليگ دهم با يك گل و 6 پاس گل هرگز نتوانست به خوبي زمان حضورش در استقلال باشد، اما ميلوراد يانوش در مدت 1379 دقيقه اي که براي سپاهان در خط حمله جاي گرفت 7 گل زد و 3 پاس گل هم داد که آمار مناسبی براي او در فصل اول حضورش محسوب مي شود.

لياندرو دياز و پائولو زالدرون (مس)

لژیونر هاي مس به جز ادینيو هم چنگي به دل نزدند. لياندرو دياز طی 376 دقيقه حضور در ميدان به جز يك کارت قرمز رد پاي ديگري از خود بر جاي نگذاشت و زالدرون هم در سومين فصل حضورش در مس يك بازيکن کاملاً نيمکت نشين شد. يك گل و 2 پاس گل طی 311 دقيقه حضور در ميدان اصلاً کارنامه جالبي براي اين مهاجم برزيلي نبود.

هر دو لژیونر ملوان از فصل گذشته در این تیم مانده بودند. آلوز که قدیمی‌ترین لژیونر لیگ دهم محسوب می‌شد طی 2 مسابقه فقط 12 دقیقه در ملوان بازی داده شد و بعد از این تیم جدا شد. آلن باسیچ هم در نیم‌فصل نخست طی 630 دقیقه حضور در میدان چنگی به دل نزد و از نیم‌فصل به بعد هم خبری از او نشد.

مایوس و ماتیوس آلونسو (استیل آذین)

استیل آذین برای این که فصل وحشتناک خود را تکمیل کرده باشد، در مورد لژیونرها هم به جاده خاکی زد. ماتیوس آلونسو که یک مدافع خیلی معمولی بود 1168 دقیقه برای تیمش بازی کرد و وضعیت خط دفاعی استیل آذین نشان می‌دهد که عملکرد مناسبی نداشته است.

مایوس هم صرفاً 90 دقیقه بود و دیگر نبود. البته نام یک مهاجم عراقی به نام امجد راضی هم وارد فهرست استیل آذین شد ولی حتی یک ثانیه هم او را ندیدیم.

اما جدا از همه لژیونرهای یاد شده، 2 خارجی دیگر هم در لیگ دهم به میدان رفتند که به علت وضعیت خاص و عجیب و غریبشان به صورت جداگانه عملکرد آنها را به صورت اجمالی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

ریکاردو آندرسون (برزیل - استقلال)

روزی که پرویز مظلومی هدایت استقلال را بر عهده گرفت، تاکید کرد که هرگز با فیلم و سی‌دی بازیکن نخواهد گرفت و تا زمانی که بازیکن خارجی در تمرینات حاضر نشود مجوزی برای عقد قرارداد با وی از طرف کادر فنی صادر نخواهد شد، ولی در مورد ریکاردو آندرسون این مورد رعایت نشد. به بهانه ضیق وقت به سرعت با این مهاجم قرارداد بسته شد و وقتی سر تمرین آمد با آن هیکل تنومند و ده‌ها کیلو اضافه وزن بیشتر شبیه بازیکنان راگی بود. به‌رغم تمام هشدارهای شوخی و جدی، این بازیکن در استقلال حفظ شد و پیراهن چند ایکس لارج برای او تهیه شد، ولی هر وقت وارد زمین شد هیچ تغییری در وضعیت او و تیمش ایجاد نمی‌شد. ریکاردو که برای فوتبال در دسته فوق سنگین(!) مناسب بود در مجموع 7 مسابقه، 120 دقیقه برای استقلال دوید و وقتی به نتیجه رسید که این کاره نیست قراردادش را فسخ کرد و رفت. آندرسون در واقع یک دی‌کارموی جدید برای لیگ دهم بود.

اشپیتیم آرفی (آلبانی - پرسپولیس)

این مانکن سابق آلبانیایی وقتی در لیگ هشتم در تیم سقوط کرده پیام 18 گل به ثمر رساند، اصلاً باور نمی‌کرد که چنین سرنوشت شومی در فوتبال ایرانی در انتظارش باشد، ولی در پرسپولیس او یک بدشانس مطلق بود. فصل نخست حضورش بیشتر مصدوم بود و کرانچار اصلاً به او اعتماد نکرد و با آمدن دایی هم این قضیه تداوم پیدا کرد. در لیگ دهم نیز وقتی به‌رغم عدم علاقه دایی و به خاطر قراردادی که بسته بود در پرسپولیس ماند، خیلی تلاش کرد تا سرمربی پرسپولیس را نسبت به بازی دادن بیشتر به خودش متقاعد کند، ولی علی‌دایی یک‌دنده و لجبازتر از این حرف‌ها بود. جالب اینجاست که هر وقت آرفی از سر ناچاری به میدان رفت، مثمر ثمر ظاهر شد و طی 613 دقیقه حضور در میدان، 5 گل زد تا از لحاظ آماری و براساس میانگین دقایق بازی و گل‌های زده‌اش، از تمام مهاجمان لیگ ایران برتر باشد و چه‌بسا اگر بیشتر از طرف سرمربی تیمش به بازی گرفته می‌شد، می‌توانست حداقل به وضعیت آشفته خط حمله پرسپولیس که حتی یک گلزن دورقمی نداشت سر و سامانی بدهد، ولی دایی نخواست که نخواست و هرگز هم به این سوال جواب صریح و روشنی نداد.

آرش رستم‌نمدی / جام‌جم